

## خدمات رفاه اجتماعی محلی در سوئیس

مسکن، اشتغال و مراقبت از کودکان

ترجمه و گردآوری: فاطمه جعفری؛ دانشجوی دکتری مددکاری اجتماعی

این گزارش بخشی از بسته کار ۲ از پروژه تحقیقاتی تحت عنوان "نوآوری خدمات رفاهی در سطح محلی به نفع انسجام" (WILCO) است. هدف WILCO بررسی چگونگی تاثیر گذاری سیستم های رفاهی محلی بر نابرابری های اجتماعی و اینکه چگونه آنها به نفع انسجام اجتماعی عمل می کنند از طریق تحقیقات تطبیقی میان ملی، با یک تمرکز ویژه بر روی حلقه گم شده بین نوآوری در سطح محلی و انتقال موفق و پیاده سازی آن در تنظیمات دیگر می باشد. کنسرسیوم WILCO ده کشور اروپایی را پوشش می دهد و توسط کمیسیون اروپایی (FP7، علوم اجتماعی - اقتصادی و انسانی) تامین می شود.

### ۱. ساختار و توسعه خدمات اجتماعی دولتی

خدمات اجتماعی سوئیس دارای یک جهت گیری قطعی قوی در سیستم تامین اجتماعی خود است، در حالی که دسترسی به اکثر سیاست های اجتماعی خاص براساس تست ابزار است. علاوه بر این، سازمان خدمات اجتماعی سوئیس بر اساس یک شبکه بزرگ از سازمان های ایالتی و غیر انتفاعی خصوصی در سطوح مختلف منطقه ای (محلی، منطقه ای و یا استانی و فدرال) کنترل می شود. با توجه به بنیانگذاران لیبرال و کاتولیک کنفدراسیون مدرن سوئیس، یکی از ویژگی های بسیار مهم *subsidiarity* است یعنی تشویق پیش قدم شدن در جوامع مدنی به طور گسترده تری بیشتر از موارد ایالتی است. به طور کلی، هنگام بروز یک مشکل در عرصه عمومی، سازمان های غیر انتفاعی در جامعه مدنی برنامه هایی را پیشنهاد می دهند و هنگامی که آن را اجرا می کنند بودجه عمومی دریافت می نمایند. با توجه به اصل *subsidiarity*، بودجه اولیه به طور کلی از دولت محلی تامین می شود و زمانی که کارکرد برنامه یا پروژه ثابت شد، ممکن است در سطوح استانی و یا یارانه فدرالی گسترش یافته و تامین مالی شود.

در سازمان های دولتی، سیاست هایی که توسط دولت مدیریت نمی شود، توسط سطوح تابعه (کانتون ها و شهرستانها) اداره می شود که ممکن است با یک روند کاملا مستقل در آموزش و پرورش، بهداشت و درمان و سیاست های اجتماعی اداره کنند. (باومن و همکاران ۲۰۰۶) استان و شهرستانها به عنوان نماینده استفاده می شوند: در موضوع مسکن و مراقبت از کودکان، به عنوان مثال، بنیادها و انجمنهای خصوصی تا حدی مسئول تولید و مدیریت سیاست های رفاهی هستند. بنابراین مخلوط خدمات اجتماعی سوئیس با یک مشارکت (هم زیستی) بین سازمان های دولتی و سازمان های جامعه مدنی و کمتر برای هدف سود مشخص می شود.

خدمات رفاه اجتماعی دولتی سوئیس اخیرا شاهد یک توسعه در مقایسه با سایر کشورهای اروپایی بود: دولت سوئیس مزایای اجتماعی را برای مدت زمان طولانی محدود کرد که در کشورهای دیگر آنها تا حد زیادی گسترش داشتند (کاتیان ۲۰۰۶). در دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، سوئیس شروع به توسعه سیستم خدمات رفاه اجتماعی کرد در حالی که بسیاری از کشورهای اروپایی تصمیم به قطع هزینه های اجتماعی در این زمان گرفتند. به طور کلی انواع اصلی بیمه اجتماعی در سوئیس بعد از میانگین کشورهای OECD ایجاد شدند: بیمه حوادث در سال ۱۹۱۸ در کنفدراسیون سوئیس در مقابل ۱۹۰۵ برای متوسط کشورهای OECD، بیمه

بیکاری در سال ۱۹۷۸ (قطعی در سال ۱۹۸۲) در برابر ۱۹۲۹، حقوق بازنشستگی در سال ۱۹۴۶ در حالی که سال متوسط کشورهای دیگر ۱۹۱۷ بود (برتوزی، بونولی ۲۰۰۳).

رفاه اجتماعی سوئیس با صنعتی شدن در بخش دوم از قرن نوزدهم به دنیا آمد. شرکت کنندگان مختلف از جمله اصلاح طلبان اجتماعی، فعالان طبقه کارگر و بورژوازی به بالا بردن دستور کار اجتماعی در سطح فدرال کمک کرده اند. در سال ۱۸۷۴، بعدی قوانین مربوط به کار کودکان و حفاظت از کارگران را ترویج داده است. در سال ۱۸۹۰، اولین مقاله در بیمه های اجتماعی به کنفدراسیون اجازه پیاده سازی یک صندوق یا سرمایه برای سلامت و حوادث (صندوق تعاونی *caisse-maladie et*) را داد. اصل *subsidiarity* قبلا به کار گرفته شده بود چرا که دولت فدرال تاکید کرد که این بیمه اجتماعی بودجه اضطراری موجود (*caisses de secours*) را محاسبه می کند و وابستگی اجباری نیست.

از سال ۱۹۱۴ تا سال ۱۹۴۵، یکی از ویژگی های اصلی این بود که بسیاری از سازمان های واسطه به جای موضع گرفتن در مقابل دولت شروع به همکاری با دولت کردند. اتحادیه ها مذاکره را به اعتصاب ترجیح می دادند و همچنین، سوسیال دموکرات ها از حزب کمونیست دور افتادند که بعدها به یک نیروی سیاسی حاشیه ای تبدیل شده بود. چیزی که در این زمان به اجرا گذاشته شد مخلوط خدمات رفاهی با شرکت کنندگان مختلف و یک الگوی مقررات رضایت بخش طرفین بود. دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ شاهد یک توسعه بودجه دولت درون یک چارچوب کلی مشخص شده بدون نوآوری بود.

به عبارت دیگر، ثروت اقتصادی یارانه عظیم دولت در بیمه درمانی، دانشگاه ها و حقوق بازنشستگی دولتی را فعال کرده است اما هیچ سیستم رفاهی منسجم با پروژه های جهانی قابل توجه و ابزار جدید به منظور بهبود رفاه وجود نداشت. در اواسط دهه ۱۹۷۰، سوئیس شاهد تجدید سیاست های اجتماعی بیشتر از طریق طرح های محبوب برای تدوین آسان در سیستم سیاسی دموکراتیک مستقیم سوئیس بود. طرح هایی از احزاب سیاسی چپ گرا برای نوآوری اجتماعی: طرح هایی همچون چهل ساعت کار در هفته، حفاظت بهتر از کارگران و تعطیلات بیشتر برای آنها رد شدند اما آنها به پیدایش مسائل مختلف جدید و راه هایی برای بهبود و گسترش رفاه کمک کردند.

بحران اقتصادی در سال ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵ نقطه عطفی در توسعه خدمات رفاه اجتماعی دولت سوئیس بود. در واقع، عدم وجود یک خدمات رفاهی دولتی متنوع سوئیس را موظف کرد، در دوره ای که در آن کشورهای دیگر سیاست قطع هزینه های اجتماعی را به منظور بهبود سیستم تامین اجتماعی خود اتخاذ کرده بودند، که به طور خاص این دو معیار را اتخاذ کند: معرفی یک طرح بیمه بیکاری اجباری و توسعه طرح بازنشستگی با یک سیستم ذخیره اجباری. گسترش برنامه های نوحافظه کارانه در آغاز دهه ۱۹۸۰ در ایالات متحده آمریکا و در اروپا، بر طبق "بازار بیشتر و دولت کمتر" یک راه برای بازسازی جامعه مدنی، در سوئیس هم اتفاق افتاد: نتیجه این فرآیند این بود که رشد طرح های خدمات رفاهی باعث رشد قابل توجه بخش دولتی نشد.

از پایان دهه ۱۹۸۰، سیستم های خدمات رفاهی با چالش های بزرگی مانند جهانی شدن، فقر جدید، و جوامع سالمند روبرو هستند. در سوئیس این چالش ها تاثیر کمتری در مقایسه با کشورهای دیگر داشته است. اقتصاد قبلا و تا حد زیادی صادرات و جهان گرا بود - مانند سایر "کشورهای کوچک در بازارهای جهانی" (کاتزنستین ۱۹۸۵). برای اقدام علیه اشکال جدیدی از فقر و حاشیه نشینی، سوئیس منطق *subsidiarity* را از طریق سیاست هایی تقویت کرد که سازمان ها را قادر می سازد تا در مقابل

محرومیت عمل کنند (بوتشی و کاتاسین ۱۹۹۵). در همان رگه - لیبرال - ، عناصر مسئولیت شخصی در داخل سیستم امنیت اجتماعی تقویت و یا معرفی می شدند (مانند برنامه های رفاه کار اجباری؛ کاتاسین و همکاران، ۲۰۰۲). در نهایت، در مورد مسائل پیری، سوئیس نرخ پایین باروری را تا حد زیادی با مهاجرت جبران می کند.

#### ۱.۱.۱. درجه تمرکز

بهتر است در ابتدا فدرالیسم سوئیس را مطرح کنیم. نام رسمی کشور سوئیس کنفدراسیون سوئیس است. سوئیس یک دولت فدرال از سال ۱۸۴۸ است و این فدراسیون در سه سطح سیاسی تشکیل شده است: کنفدراسیون، کانتون و شهرستان. در این کشور چهار زبان رسمی وجود دارد: آلمانی، فرانسوی، ایتالیایی و رومانیایی. کنفدراسیون دارای سه نوع قدرت است: اجرایی با شورای فدرال، قوه مقننه با مجلس فدرال و قوه قانونی / قضایی با دادگاه فدرال نسبتاً ضعیف - همه موارد مستقل نبوده و در موارد ابتکاری به رای اکثریت عمل می شود. سوئیس دارای ۲۶ کانتون است که وضعیت ایالات فدرال را دارند. کانتون ها قانون اساسی، پارلمان و حاکمیت خود را دارند. به اشتراک گذاری تواناییها و ظرفیتهای بین این کنفدراسیون و کانتون ها توسط قانون اساسی فدرال اجرا می شود. مناطق خاص به شدت توسط کانتون اداره می شوند مانند اداره پلیس، سیستم مالیات، آموزش و پرورش، بیمارستان ها. با این حال، حکومت استانی پیرو قانون فدرال است. شهرستانها در سطح پایه سازمان سیاسی سوئیس هستند و دارای قابلیت های خود در مناطق مختلف هستند.

این فدرالیسم یک تاثیر قوی بر شکل گیری سیستم خدمات رفاهی دارد. سطح فدرال تضمین کننده حمایت اجتماعی برای کل جمعیت از جمله بیمه های اجتماعی بزرگ (بازنشستگی، بیکاری، بهداشت، حوادث و ناتوانی) است. وابستگی اجباری، لیستی از هزینه های سلامت مسترد توسط قدرت فدرال تضمین شده است. با این حال، کانتون ها عمدتاً در تامین مالی و اجرای سیاست های اجتماعی درگیر هستند و ما ممکن است در مورد فدرالیسم تعاونی صحبت کنیم (ها برتوزی و بونولی، ۲۰۰۳). در نهایت، برنامه های خاص مانند کمک های اجتماعی و یا سیاست خانواده به طور کامل در سطح محلی و یا استانی ارائه شده است.

در عین حال که اشتراک گذاری زیادی از قابلیت ها بین سطوح استانی و فدرال وجود دارد، کانتون ها به توسعه سیاست های اجتماعی خود در مناطق خاص می پردازند. کمک های اجتماعی در سطح استانی توسط کنفدراسیون اعمال می شود اما کانتون ها می توانند انواع برنامه ها و سطوح مزایا را انتخاب نمایند. همچنین، کانتون ها سیاست های خاص در مورد ادغام مجدد افراد بیکار را توسعه می دهند: در نیمه اول دهه ۱۹۹۰ بیکاری در سوئیس افزایش یافت و چندین استان برنامه های کمک های بیکاری را اجرا کردند، این بعد در سطح فدرال وجود نداشت. کانتون ژنو به ارائه حداقل درآمد استانی در سال ۱۹۹۴ که توسط RMI فرانسه الهام گرفته شده بود پرداخت. در موارد دیگر، سیاست برای استقرار مجدد در سطح شهرستان اجرا شد. در ایالت برن، سیاست برای ادغام مجدد افراد بیکار در سطح استانی وجود نداشت و این شهرستان به اجرای یک برنامه خاص به نام "کار به جای کمک" (Arbeit statt Fürsorge) پرداخت که به ارائه فعالیت هایی در بخش خصوصی و یا در سازمان های غیر انتفاعی به افراد بیکار برای ۱۲ ماه می پرداخت (ژيرو ۲۰۰۶).

استقلال استان ها عبارت است از یک ناهمگونی در اقدامات، انواع پیاده سازی و سطوح مزایا و ممکن است باعث ایجاد نابرابری بین افراد مختلف که در کانتون های مختلف زندگی می کنند شود. استان هایی مانند گلاریس، نیدوالد و شویتز به عنوان مثال دارای

یک رفاه استانی توسعه یافته ضعیف هستند (ژیرو ۲۰۰۶). با این وجود، فدرالیسم و استقلال کانتون ها همچنین به این معنی است که واحدهای ارضی امکان توسعه سیاست های نوآورانه مطابق با سنت ها و نیازهای محلی را دارند.

## ۱.۲. روندها

یکی از روندهایی که زمینه های مختلف را حذف می کند مربوط به سازمان ارضی سیستم رفاه سوئیس است. تکه تکه شدن سرزمین با تعداد بالایی از شهرها، شهرستانها و استان های در حال توسعه سیستم رفاه خود در تضاد با این واقعیت است که مشکلات اجتماعی توسط یک مفهوم جهانی شکل گرفته است. بنابراین، سیاست گذاران با مشکلات و شرایطی که در دیگر استان ها ایجاد شده اند روبرو هستند. در بافت فدرالیسم، یک رژیم کمک های اجتماعی سخاوتمند تر در برخی از استان ها ممکن است مردم را از دیگر بخش های کنفدراسیون به خود جذب کند که به معنی هزینه های مالی اضافی برای مناطق خاص است. نیاز به یک مدیریت افقی بیشتر و همکاری - بین شهرستانهای بزرگ و بین کانتون ها - توسط تحقیقات مختلف مورد تاکید است (کاتاسین ۱۹۹۶؛ لرشه ۱۹۹۸).

یکی دیگر از روندها مربوط به بالا رفتن صدای شهرستانها است: سیاست گذاران در سطح شهرستان تاکید می کنند که آنها باید در یک روش بارزتر در شکل گیری سیاست های خود مشارکت کنند زیرا آنها اولین طرف های صحبت افراد محلی هستند. آنها برای نهادینه شدن گفت و گو بین شهرستانها و کنفدراسیون ها و برای یک وضعیت ناظر فعال در کنفرانس سران استانی (Conférence des Directeurs cantonaux de l'Assistance Publique) کمک های دولتی را درخواست کرده بودند.

## ۲. زمینه مسکن

### ۲.۱. عرضه و تقاضا

مالکیت تا حد زیادی در سوئیس در اقلیت است تا جایی که تنها ۳۴.۶ درصد از مردم در خانه خود زندگی می کنند. خانه های اجاره ای شخصی به خوبی توسعه یافته است که نشان دهنده بیش از ۶۰ درصد از جمعیت سوئیس، به خصوص در شهرستانهای بزرگ مانند زوریخ، ژنو، بازل و یا لوزان است. پایین بودن نرخ مالکیت خانه از دهه ۱۹۹۰ افزایش نشان داده است و همچنین نرخ های متفاوتی با توجه به نوع مصرف کننده داشته است: خانواده های دارای فرزند نسبت به خانواده های بدون فرزند تعداد بیشتری از مالکیت خانه را نشان می دهند. حدود ۵۰ درصد از خانواده های دارای فرزند در خانه خود زندگی می کنند و مالک هستند.

مسکن اجتماعی در واقع در سوئیس وجود ندارد اما ما خانه های یارانه ای را مشاهده کردیم. به طور عمده سه نوع خانه یارانه ای وجود دارد: HBM برای خانواده بسیار کم درآمد، HLM برای خانواده متوسط و HM با جمعیت هایی از طبقات اجتماعی مختلف. بیشتر اوقات، دولت خودش صاحب خانه نیست و از مستاجران حمایت می کند. در کانتون ژنو، در ماه دسامبر سال ۲۰۱۰، کمی بیش از ۱۹۰۰۰ خانه اجتماعی وجود داشت: HBM ۶۲۰۷، HLM ۱۱۰۱۸ و HM ۵۴۰۰. تعداد در شهرستان ژنو واقع شده اند.

چه کسی واجد شرایط دریافت مسکن اجتماعی است؟

افراد واجد شرایط برای مسکن یارانه ای عمدتاً جمعیت متوسط و نه فقط جمعیت بسیار کم درآمد هستند. ما همچنین بالاترین کسر جمعیت طبقه کارگر را در مسکن اجتماعی پیدا کردیم. معیارهای مختلف باعث محدود شدن دسترسی به مسکن اجتماعی می شود. به عنوان مثال، در ایالت ژنو، معیارها عبارتند از:

- سکونت در شهرستان حداقل برای دو سال.

- یک پایه درآمد در کانتون؛

- پرداخت مالیات در کانتون.

نرخ اشغال نیز محدود است. به عنوان مثال، سه نفر نمی توانند به یک خانه که شامل بیش از پنج اتاق خواب است دسترسی پیدا کنند. همچنین حد درآمد وجود دارد.

کمبود / مازاد مسکن (اجتماعی)

آمار نشان می دهد که کمبود مسکن اجتماعی وجود دارد. به عنوان مثال، در ایالت ژنو، کمبود در حال حاضر از ۲۵۰۰ به ۳۰۰۰ تعداد خانه است. رابطه بین تعداد درخواست ها و آپارتمان های در دسترس در ده سال گذشته افزایش یافته است.

پشتیبانی برای مستاجران کم درآمد

بخش دولتی مالک تعداد زیادی خانه نیست. استراتژی دولت شامل حمایت از تعاونی ها و پایه های عمومی (Fondations d'utilité publique) است که ساخت و مدیریت مسکن اجتماعی را بر عهده دارند. عمدتاً دو نوع پشتیبانی برای مستاجران کم درآمد وجود دارد. نوع اول "l'aide à la pierre" حمایت از صاحبان و یا توسعه دهندگان ملک را برعهده دارد به منظور اینکه آنها می توانند مسکن بسازند و اجاره پایین تر ارائه کنند. این نوع پشتیبانی ممکن است شامل این موارد باشد:

- یارانه برای ساخت و ساز مسکن و یا بازسازی؛

- وام املاک و مستغلات پایین تر از نرخ بازار؛

- ارائه زمین توسط شوراهای شهرستان.

هنگامی که این نوع از حمایت عمومی پذیرفته می شود، دولت قیمت اجاره بها را برای بیست سال کنترل می کند و همچنین مالک باید به نوع خاصی از جمعیت با توجه به درآمد آنها مسکن اجاره دهد.

همچنین حمایت های مالی مستقیم برای مستاجران کم درآمد وجود دارد (les aides à la personne) اما آنها در سوئیس به جز در ایالت ژنو گسترده نیست. حمایت مستقیم مستاجران از این ایده که اجاره بها نباید بیش از ۲۵ درصد از درآمد خانوار باشد شروع می شود. این حمایت تفاوت بین اجاره واقعی و آنچه برای خانواده مقرون به صرفه است می باشد.

به طور خلاصه، "l'aide à la pierre" برای افزایش عرضه مسکن برای جمعیت کم درآمد ایجاد شده است و کمک نوع دوم از تقاضا حمایت می کند و به طور مستقیم به خانواده های کم درآمد ارائه می شود.

منابع اصلی تامین مالی برای ساخت و ساز مسکن

در سال ۲۰۱۰، سوئیس دارای چهار میلیون خانه بود که در ۱.۵ میلیون ساختمان توزیع شده بودند (اداره آمار فدرال). "مالکیت پروژه" خصوصی تا حد زیادی در اکثریت است. با توجه به سرشماری ملی در سال ۲۰۰۰، بودجه مسکن (تا حدی) توسط بخش دولتی تامین می شود که نشان دهنده ۱۱٪ از بازار مسکن است و در این بین، ۵٪ توسط تعاونی ها ساخته شده اند.

نرخ بی خانمانی چقدر است؟

هیچ آمار رسمی در مورد نرخ بی خانمانی در سوئیس وجود ندارد و همچنین، بسیاری از مطالعات جامعه شناختی بر بی ثباتی، شرایط مسکن و فقر تمرکز داشته اند و نه بر افراد بی خانمان.

۲.۲. ساختار اداری

توزیع مسئولیت های بین دولت های اروپایی / ملی / منطقه ای / محلی در مدیریت مسکن

حمایت دولت برای قادر ساختن خانواده ها برای دسترسی به مسکن یک ماموریت در قانون اساسی است: "علاوه بر مسئولیت فردی و ابتکار عمل خصوصی، کنفدراسیون و کانتون برای قادر ساختن همه خانواده ها برای دسترسی به خانه ای که مقرون به صرفه باشد و شرایط مسکن مناسب را داشته باشد نقش دارند". مواد ۱۰۸ و ۱۰۹ قانون اساسی فدرال استدلال می کنند که "کنفدراسیون باید از مستأجران برای اجاره بیش از حد محافظت کند" و همچنین متن چارچوب کلی و دستورالعملی که در آن دولت فدرال و استان عمل می کنند را تعریف می کند.

در سطح فدرال در سال ۱۹۹۰ قانونی به نام "Droit du bail" ایجاد شد که حقوق و وظایف مستأجران به خصوص در مورد قیمت اجاره را تعریف می کرد. مستأجران از اجاره بیش از حد محفوظ هستند و حقوق آنها هنگام ترک خانه مورد تاکید قرار می گیرد. این قانون در سوئیس ضروری است هنگامی که مستأجرها در اکثریت هستند. پارلمان فدرال در سال ۲۰۰۳ قانون فدرال برای مسکن (LOG) را با هدف تشویق اجاره بهای متوسط به تصویب رساند: کنفدراسیون وام بدون بهره و سپرده برای وام های بانکی ارائه می دهد. این قانون همچنین دسترسی به مسکن خصوصی را تشویق می کند. با این حال، حمایت های مستقیم از خانواده های کم درآمد در قانون ۲۰۰۳ فدرال مسکن وجود ندارد و استان است که مسئول اجرای حمایت خاص در مورد این موضوع می باشد.

چگونه حکومت های خودگردان سازمان های عمومی و/ یا غیر انتفاعی ارائه دهنده مسکن اجاره ای اجتماعی در ارتباط با دولت هستند؟

در موضوع مسکن اجتماعی، تعاونی‌ها نقش کلیدی در سوئیس دارند. یک خانه از بیست خانه متعلق به تعاونی است. در زوریخ، به عنوان مثال، ۱۹ درصد از خانه‌ها تحت مالکیت و مدیریت تعاونی‌ها هستند که قیمت را در زیر نرخ بازار حفظ می‌کند. یک همکاری بین تعاونی و دولت محلی اغلب با نقشه برداری از یک نیاز (به عنوان مثال مسکن برای جوانان، برای افراد مسن) شروع می‌شود: تعاونی‌ها روی پیشنهاد کار می‌کنند و شورای شهرستان ساختمان‌ها را در نظر می‌گیرد. و سپس دومی توسط شهرستان و کانتون پشتیبانی می‌شود.

استقلال تعاونی‌ها مهم است همانطور که ما شاهد اصل وکالت با توجه به مشارکت تولید مسکن بین تعاونی و دولت محلی هستیم. تعاونی‌ها همچنین مسئول مدیریت و نگهداری از ساختمان‌ها می‌باشند. با این حال، این استقلال محدود است، زیرا دولت شهرستان کنترل قیمت‌ها را در دست دارد و به طور برجسته به انتخاب مستأجران کمک می‌کند.

روندها از لحاظ تمرکز(زدایی) در این زمینه چیست؟

روند تمرکززدایی قوی است همانطور که شهرستانها به طور عمده مسئول مسکن هستند.

۲.۳. مسکن در ارتباط با محرومیت اجتماعی

آیا محرومیت اجتماعی و فقر در بخش‌های خاصی از بازار مسکن متمرکز است؟

محرومیت و فقر هر دو در بخش اجاره خصوصی و یارانه مسکن دولت متمرکز شده است. داشتن املاک در سوئیس بسیار کمتر از هر کشور دیگری در اروپا توسعه یافته است و ما موارد بسیار کمی از صاحبان خانه فقیر را مشاهده کردیم. به طور کلی، می‌توان گفت که جدایی فضایی در شهرستانهای سوئیس محدود است - و یا همانطور که جوی و همکارانش (۱۹۹۶) اشاره کردند جدایی بیشتر یک پدیده منحصر به فرد است تا اینکه یک پدیده جمعی یا ارضی باشد.

آیا یک تمرکز فضایی تامین مسکن کم درآمد و مشکل در مناطق خاص وجود دارد (به عنوان مثال املاک حاشیه شهر که در آن بسیاری از مشکلات اجتماعی متمرکز تر هستند؟)

ما در سوئیس تمرکز گسترده‌ای از مسکن اجتماعی در مناطق خاص مانند سایر کشورهای اروپایی پیدا نکردیم. کمک هزینه‌های تامین مسکن کاملاً در مناطق شهری پراکنده شده است. به نظر می‌رسد که اندازه نسبتاً کوچک شهرستانهای سوئیس مانع از تشکیل زمینه‌های تخصصی و همگن شده است.

آیا تمرکز تبعیض قومی / نژادی در تامین مسکن وجود دارد؟

در سطح فضایی، شهرستانهای بزرگ سوئیس مطابق با الگوی انتشار جمعیت پس زمینه مهاجر است: اکثر مطالعات نشان داده‌اند که مهاجران و فرزندان آنها به طور عمده نزدیک به جمعیت بومی زندگی می‌کنند.

با این حال، تفکیک از دهه ۱۹۷۰ تمایل به افزایش داشته است (وانر ۲۰۰۴). همچنین، حتی اگر درجه تفکیک قومی کم است، جمعیت ترکیه و افرادی که از یوگسلاوی سابق می‌آیند بیشتر در مناطق مشابه نسبت به جمعیت‌های دیگر متمرکز می‌شوند

(هاوگ ۱۰۳: ۲۰۰۳). بنابراین، ما در شهرستان بازل شاهد تمرکز بالایی از جمعیت هایی که از ترکیه آمده بودند در منطقه ای به نام Kleinbasel بودیم.

علاوه بر این، در سطح مسکن، ما الگوهای خاصی از شرایط تامین مسکن مهاجران یافتیم (شارر، بارانزینی ۲۰۰۸).

- مردم سوئیس در خانه های نسبتا بزرگتر از نظر تعداد اتاق و مساحت به ازای هر نفر نسبت به کشورهای خارجی زندگی می کنند.

- نرخ اشغال برای خارجی ها بالاتر است.

- نسبتا بیشتر سوئیس ها در ساختمان هایی با مالکیت عمومی زندگی می کنند و کمتر در خانه های متعلق به بخش خصوصی زندگی می کنند (شارر و بارانزینی ۲۰۰۸).

- خارجی ها به طور متوسط در مقایسه با بومیان در معرض سر و صدای روزانه جاده بیشتر هستند.

خارجی ها به طور کلی در شرایط مسکن بدتری نسبت به بومیان سوئیس زندگی می کنند و این یافته فقط به وضعیت اجتماعی و اقتصادی مربوط نمی شود. در واقع، مردم سوئیس با سطح پایین آموزش و پرورش (که به عنوان یک پروکسی از وضعیت اجتماعی و اقتصادی در نظر گرفته می شود) نیز شرایط مسکن بهتری از مهاجران دارند. در نهایت، به طور کل، خارجی ها معمولا هزینه بیشتری نسبت به مردم سوئیس برای مسکن پرداخت می کنند (شارر و همکاران ۲۰۰۸). این امر به ویژه در مورد خارجی هایی با سطح پایین آموزش و پرورش بارزتر است که به طور متوسط اجاره ماهانه بالاتری از سوئیس ها با میزان مشابه از پیشرفت تحصیلی پرداخت می کنند: ۵.۸ بیشتر در زوریخ و حتی ۶.۵ در ژنو. این روند نشان می دهد که خارجی ها و به ویژه کسانی که از کشورهای غیر اروپایی مهاجرت کرده اند با تبعیض قومی در بازار مسکن مواجه هستند.

آیا نشانه هایی وجود دارد که این برچسب به انواع خاصی از تامین مسکن وصل شده است؟ (به عنوان مثال تبعیض علیه مستاجران برای تامین مسکن اجتماعی)

هیچ برچسب خاصی به مسکن اجتماعی متصل نشده است. دوما از تخریب رنج نمی برند و ما به طور کل متوجه شدیم که کیفیت بالایی در تامین مسکن وجود دارد. همچنین، در تامین مسکن یارانه ای، ما تنها شاهد جمعیت های فقیر و بیکار نیستیم بلکه فراکسیون های بالاتر از جمعیت های طبقه کارگر و حتی گروه های طبقه متوسط پایین تر را هم می بینیم. سطح پایین تخریب نیز ممکن است به این واقعیت مربوط باشد که مستاجران در خانه های متعلق به اعضای تعاونی زندگی می کنند که سهام مشارکت تعاونی دریافت می کنند. این عضویت احتمالا باعث توسعه یک نگرش مسئولانه نسبت به سمت مسکن و محیط آن است.

۲.۴. پیشرفت های اخیر

مسائل کلیدی مورد بحث در این زمینه در حال حاضر در سطح ملی چیست؟ (به عنوان مثال مسکن به عنوان یک ابزار برای سرمایه گذاری اجتماعی و بازسازی شهری، خطرات ناشی از مالکیت، خصوصی سازی و یا کاهش سهام مسکن اجتماعی)



اثرات درک شده از بحران نهایی اخیر در زمینه مسکن چیست؟ (به عنوان مثال در سرمایه گذاری، کاهش قیمت، تغییرات بین بخش های بازار مسکن)

جنبش / نوآوری محلی قابل توجه جدیدی با تقاضای ملی وجود دارد؟ (به عنوان مثال پروژه گل سرسبد، جنبش پایداری)

یکی از بحث های جاری در مورد تراکم مسکن در شهرستانهای مهم سوئیس و به خصوص بیشتر در مورد نرخ پایین مالکان در مراکز شهرستان هاست. همانطور که ما مشاهده کرده ایم، سوئیس کشور مستاجران است. مالکیت فقط برای هر یک خانه از سه خانه است. با توجه به قیمت های بالا در مراکز شهرستان ها، صاحبان در مناطق نیمه شهری خانه می خرند. این مناطق نیمه شهری اطراف در حال گسترش به دلایل زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی مورد انتقاد قرار گرفته اند (ررات و همکاران ۲۰۰۸). کنفدراسیون با شروع آن به دنبال هدف توسعه سیاست ارضی دیگری است: شهرنشینی در شهرستانها، تجدید اراضی موات شهری، چگالی بالاتر از بافت شهری. علاوه بر این، شهرستانها می خواهند منطقه خود را برای خانواده های ثروتمند جذاب تر کنند. آنها درگیر ساخت خانه بیشتر هستند همانطور که ما در زوریخ، بازل و لوزان شاهد بودیم. سیاست شهرستانها و کنفدراسیون نشان دهنده اهداف همگرا اما با دلایل مختلف است (یک تراکم تامین مسکن شهری بالاتر). سیاست ها برای یک تراکم بیشتر شهری این نتایج اولیه را نشان می دهند: با از دست دادن بسیاری از ساکنان بین سالهای ۱۹۷۰ و ۲۰۰۰، شهرستانهای بزرگ سوئیس شاهد افزایش دوباره تعداد ساکنان از سال ۲۰۰۰ بودند. این ساکنان جدید عمدتاً خانواده های ثروتمند هستند اما در حال حاضر، ما شاهد جابجایی دیگر گروه های سیاسی-اجتماعی نبودیم (Rérat et al. ibid). همانطور که مطالعات در مورد نوسازی در دیگر شهرهای اروپایی برجسته شده است.

بحث حساس دیگر به خصوص در منطقه ژنو، در مورد نرخ پایین خانه است. نرخ بسیار کم خانه های خالی در حدود ۰.۲۳٪ از بخش مسکن برآورد شده است. به نظر می رسد که یک شکاف بین رشد جامد اقتصادی شهری که تعداد زیادی کارگر جدید در هر سال می پذیرد و تعداد کمی مسکن می سازد وجود دارد. نتایج این فرایند عبارتند از: قیمت های بسیار بالا، به خصوص در مرکز شهرستان، تعداد خانواده هایی که نمی توانند هزینه مسکن را پرداخت کنند و افزایش تنش های اجتماعی در مورد این موضوع با پیامدهای سیاسی. نتیجه دیگر آن تحرک مسکونی بسیار پایین در خانواده ها است. بحران سال ۲۰۰۸ که به معنای افزایش بیکاری و مشکلات اضافی در موضوع مسکن بود.

۳. زمینه اشتغال

۳.۱. عرضه و تقاضا

نرخ استخدام / بیکاری، کار پاره وقت / تمام وقت، و موقت (جنس، سن، نژاد)

جمعیت مشغول به کار با یک کار (actifs occupés) نشان دهنده ۵۸٪ از کل جمعیت است اما نرخ اشتغال تا حد زیادی با توجه به جنس متفاوت است. مردان بیانگر ۵۶٪ از این جمعیت کارگر و زنان ۴۴٪ هستند؛ این میزان تا حد زیادی از سال ۱۹۹۰ افزایش یافته است. افراد خارجی بیانگر ۲۷٪ از جمعیت کاری دارای یک کار هستند. آنها به طور ویژه در بخش ثانویه حضور دارند

که در آن آنها نشان دهنده ۳۷ درصد از کارگران هستند در حالی که تنها نشان دهنده ۲۵٪ از افراد مشغول به کار در بخش سوم هستند. ۳/۲ از جمعیت کار خارجی از کشورهای اروپایی آمده است.

نرخ بیکاری در سوئیس کم است و نشان دهنده ۳.۴ درصد از جمعیت فعال است. با این حال، تفاوت هایی بین کانتون ها وجود دارد. کانتون ژنو با نرخ بیکاری ۶.۴٪ بالاترین رتبه در کشور را دارد. همچنین، بیکاری با توجه به جنس و ملیت متفاوت است. زنان و بیشتر از همه خارجی ها دارای احتمال بیشتری برای بیکار هستند همانطور که شکل زیر نشان می دهد.

همانطور که می بینیم، زنان خارجی محروم ترین قشر در بازار کار می باشند.

مشاغل پاره وقت در دو دهه گذشته رو به افزایش داشته است. در سال ۲۰۰۹، ۳۴ درصد از جمعیت فعال شغل پاره وقت داشته اند در حالی که این نرخ در دهه ۱۹۷۰ تنها ۱۲ درصد بود. اکثریت بالایی از کارگران نیمه وقت زنان (۷۹٪) هستند و مشاغل پاره وقت بیشتر در بخش سوم متمرکز هستند (۹ شغل از ۱۰).

۸۶٪ از مردان یک کار تمام وقت دارند در حالی که تنها ۴۱.۵٪ از زنان شغل تمام وقت دارند. علاوه بر این، احتمال اشتغال زنان به یک کار پاره وقت (با نرخ فعالیت کمتر از ۵۰ درصد) پنج برابر بیشتر از مردان است. بنابراین اشتغال پاره وقت یک کار جنسیتی شده است و ما با یک الگوی نابرابر مشارکت در بازار کار روبرو هستیم.

آیا بیکاری در یک بخش خاص متمرکز است؟ (برای مثال، صنعت، کشاورزی، خدمات عمومی)

نرخ بیکاری به طور ویژه در بخش هایی مانند ساخت و ساز، تجارت و همچنین در بخش هتل و رستوران ارائه شده است.

(حدود) اندازه بازار کار غیررسمی چیست؟ (به عنوان مثال مقدار کارگران نا امن)

هیچ برآوردی از تعداد کارگران نا امن وجود ندارد. با این حال، به گفته کارشناسان، فعالیت های اقتصادی غیررسمی نشان دهنده حدود ۹.۵ درصد از تولید ناخالص داخلی سوئیس است، در سال ۱۹۷۰ این رقم ۳.۲ درصد بود. دولت فدرال یک برنامه خاص برای تضعیف بازار کار غیررسمی اجرا کرده است. کارفرمایانی که افراد را به طور غیر قانونی به کار می گیرند از درخواست های عمومی برای مناقصه برای یک مدت کنار می گذارد و نام آنها را در معرض عموم قرار می دهد (به عنوان مثال در وب سایت های رسمی).

تفاوت ها در مواضع قانونی پاره وقت و یا کارگران موقت در مقایسه با کارگران تمام وقت دائم؟ (مثلا روش اخراج کمتر محدود، مزایای اجتماعی پایین تر)

حوادث غیر حرفه ای (خارج از محل کار) توسط بیمه حوادث اجباری برای افرادی که کمتر از هشت ساعت در هفته کار می کنند پوشش داده نمی شود. این کارگران باید از اداره بیمه سلامت خود یک برنامه خاص درخواست کنند. علاوه بر این، افراد با درآمد کمتر از ۱۹۸۹۰ فرانک (۱۵۰۰۰ یورو) در سال یک راه حل خاص در مورد درآمد بازنشستگی داشته باشند، که پرداخت کمک ماهانه لازم نباشد به اما حقوق بازنشستگی به احتمال زیاد (بسیار) ضعیف است.

سیاستهای اصلی برای مبارزه با بیکاری (به عنوان مثال ادغام مجدد، تنظیم قرارداد، فعال سازی) چیست و توزیع مسئولیت ها بین دولت های ملی / منطقه / محلی و اتحادیه اروپا با توجه به این سیاست ها چیست؟

بحران اقتصادی در سوئیس در آغاز دهه ۱۹۹۰ نقطه عطفی برای سیاست های اشتغال بود. در دهه ۱۹۸۰، سیاست های اشتغال عمدتاً منفعل بودند و در سطح محلی و منطقه ای اجرا می شدند. در سال ۱۹۹۵، اصلاحات در بیمه بیکاری فدرال باعث تغییر به سیاست هایی شد که بر فعال کردن افراد متمرکز شده بود با منطق عمل متقابل که در آن با یک نگرش غیر تعاونی افراد بیکار جریمه می شدند. به منظور باقی ماندن در سیستم بیمه بیکاری، مردم باید فعال باشند (سابقه کار، آموزش، یارانه شغلی)، فعال کردن شبکه های خود و توسعه "قابلیت استخدام" خود است. سوئیس توصیه های برنامه OECD "Making work pay" را دنبال کرد. قانون ۱۹۹۵ فدرال در مورد بیکاری نیز برای کنترل افراد بیکار بوده است: کسانی که در جستجوی کار و یا آموزش ناکارآمد هستند شاهد تعلیق کمک هزینه خود خواهند بود. با این حال، منطق متقابل در راه های مختلفی در کانتون های سوئیس تعبیر و اجرا شده است: از آن به عنوان یک وسیله برای جلوگیری از سوء استفاده در برخی از مناطق تعبیر شده است در حالی که در دیگر استان، آن را به عنوان یک ابزار برای ادغام مجدد آسان تر در بازار کار تلقی کرده اند.

نقش / مسئولیت های سازمان های انتفاعی / غیر انتفاعی چیست؟ (به عنوان مثال کمک مالی کارفرمایان برای خدمات تامین اجتماعی، خدمات دوباره یکپارچه سازی، برنامه های آموزشی، کار داوطلبانه برای بیکاران).

ORP (دفتر منطقه ای برای یکپارچه سازی مردم در بازار کار) مسئول بیکاران است و برای ادغام مجدد آنها در بازار کار کمک می کند. ORP به وزیر اقتصاد فدرال (SECO) بستگی دارد و به همین دلیل ما شاهد یک روند واگذاری هستیم. حدود ۱۳۰ سازمان در کشور گسترش یافته است. با این حال، ORP برای نتایج مثبت ضعیف خود بسیار مورد انتقاد قرار گرفت و جنبش کنونی نشان می دهد که ممکن است سازمان های خصوصی برای پذیرش مسئولیت استقرار مجدد افراد بیکار در بازار کار دعوت شوند.

روندها از نظر تمرکز(زدایی) در این زمینه؟

روند فعلی یک مسئولیت سنگین تر شهرستانهایی است که نگران افراد بیکار هستند به ویژه کسانی که نمی توانند کمک هزینه بیکاری دریافت کنند (بعد از ۱۸ ماه). کنفدراسیون در سال ۲۰۱۰ پیشنهاد تجدید نظر در قانون فدرال در بیمه بیکاری داد که مدت زمان کمک هزینه را کاهش می دهد. افراد بیکار هنگامی که نمی توانند کمک هزینه را دریافت کنند، ممکن است کمک های اجتماعی کانتون ها و شهرها را دریافت کنند. شهرستانها تجدید نظر را بسیار مورد انتقاد قرار دادند زیرا این به معنای هزینه های اضافی بود و آنها خواستار مدت زمان مهم تر کمک هزینه بیکاری شدند.

بحث در شهرستان ژنو به این دلیل که کانتون می خواهد قانون اجرا شده در سال ۱۹۹۴ مبنی بر حداقل درآمد استانی برای کمک های اجتماعی را لغو کند حساس است. هر دو تصمیمات فدرال و کانتون به این معنی است که شهرستان احتمالاً به زودی می تواند مهم ترین تامین کننده کمک های اجتماعی برای مردمی باشد که برای بیش از ۱۸ ماه بیکار هستند. با این حال هنوز تصمیمات و اقدامات در مورد این موضوع در حال بحث هستند همراه با راه اندازی همه پرسی (بخش در ارتباط با مورد بحث فعلی را ببینید).

### ۳.۳. دسترسی به بازار کار

آیا بیکاری طولانی مدت و کار موقت در جنسیت، سن یا گروه های قومی خاصی متمرکز شده اند؟

بیکاری بلند مدت به یک دوره بیش از ۱۲ ماه اشاره دارد. که با توجه به کانتون ها متفاوت زیادی وجود دارد. در سال ۲۰۰۷، بیکاری طولانی مدت در کانتون ژنو ۳۳٪، در کانتون زوریخ ۱۳.۶٪ و تنها ۱۰ درصد در کانتون اپنزل بود. بیکاری بلند مدت در درجه اول در میان خارجی ها و به خصوص کسانی که از کشورهای اروپایی می آیند و کم تر واجد شرایط هستند، و در میان افرادی که بیش از پنجاه سال سن دارند قابل توجه است.

آیا نشانه هایی از تبعیض در بازار کار برای زنان، افراد مسن و یا اقلیت های قومی وجود دارد؟ (به عنوان مثال، توزیع نابرابر دستمزد)

نسل دوم که پدر و مادر آنها از کشورهای غیر اروپایی مانند آلبانی یا ترکیه آمده اند با تبعیض که مانع دسترسی آنها به بازار کار می شود روبرو هستند و این امر به ویژه در مورد بخش آلمانی زبان سوئیس مطرح است (فیبی ۲۰۱۰). تبعیض قومی حتی در میان افرادی که نمرات و دستاورد خوبی در دبیرستان داشته اند نیز رخ می دهد. در آغاز سال ۲۰۰۰، یک بررسی از جمعیت سوئیس انجام شد با طرح این مسئله: "هنگامی که یک سوئیس و یک خارجی برای یک کار مشابه درخواست می دهند، باید متقاضی سوئیس انتخاب شود!" ۶۰ درصد از مردم با این بیانیه موافق بودند در حالی که ۲۹ درصد پاسخ منفی دادند (فیبی ۲۰۱۰).

آیا تمرکز فضایی بیکاری در مناطق وجود دارد؟ (به عنوان مثال، بیکاری بالا در محله با نرخ جرم و جنایت بالا)

ما یک تمرکز بیکاری در سطح منطقه را مشاهده کردیم تا آنجا که بیکاری در بخش فرانسوی زبان سوئیس و در Tessin بارزتر از بخش آلمانی زبان کشور است. با این حال این تصویر عمومی باید این مورد را لحاظ کند که شهرستانهای بزرگ آلمانی زبان مانند بازل و زوریخ نیز شاهد نرخ بیکاری بارز تری از نرخ متوسط ملی هستند.

### ۳.۴. پیشرفت های اخیر

مسائل کلیدی مورد بحث در حال حاضر در این زمینه در سطح ملی چیست؟ (به عنوان مثال انعطاف پذیری قرارداد، از بین رفتن نیروی کار غیر ماهر)

یکی از بحث های کلیدی در مورد به اشتراک گذاری مسئولیت های بین سه سطح فدرال (کنفدراسیون، کانتون و شهرستان) در مورد افراد بیکاری است که کمک هزینه بیکاری آنها پس از ۱۸ ماه به پایان می رسد. هنگامی که مردم بیکار دیگر نمی توانند کمک هزینه دریافت کنند، آنها به کمک های اجتماعی که توسط کانتون و شهرستان مدیریت و تامین می شود منتقل می شوند. بحث در مورد مدت زمان کمک هزینه یا بیمه بیکاری است. تجدید نظر اخیر قانون فدرال در سال ۲۰۱۰ به معنای کاهش حداکثر دوره کمک هزینه بیمه بیکاری بود؛ شهرستانها این انتقال سریع تر افراد بیکار برای کمک های اجتماعی را رد کرده و بر هزینه اضافی تاکید می کنند که به معنی تجدید نظر در قانون فدرال است. لازم به ذکر است که بخش آلمانی زبان سوئیس، که در آن

نرخ بیکاری بسیار پایین است، این نسخه را تایید کرده است در حالی که بخش فرانسوی زبان که با بیکاری بالاتری مواجه است رای مخالف داده است.

این روند به سمت یک مسئولیت/تعهد بیشتر برای شهرستانها است. در کانتون ژنو، به عنوان مثال، حکومت کانتونی تصمیم گرفت که حداقل درآمد استانی برای کمک های اجتماعی (برای افراد بیکار و بدون کمک هزینه بیکاری) منسوخ خواهد شد. بنابراین، تنها و آخرین حمایت باقی مانده کمک های اجتماعی موفق در سطح شهرستان است. شهرستانها این انتقال رو به رشد مردم بیکار در سطح شهرستان و هزینه های مالی / اجتماعی ایجاد شده را بسیار مورد انتقاد قرار دادند.

اثرات درک شده بحران مالی اخیر در بازار کار چیست؟ (به عنوان مثال انتظار می رود نرخ بیکاری در بخش های / گروه های اجتماعی خاص بالا باشد، معرفی سیاست های اجتماعی جدید یا کاهش در هزینه)

بحران مالی باعث افزایش نرخ بیکاری شده است اما این موضوع در مورد بخش فرانسه زبان و ایتالیایی زبان سوئیس (Tessin) بیشتر است در حالی که نرخ بیکاری در بخش آلمانی زبان کمتر شده است. بیکاری در میان خارجی هایی که از کشورهای غیر اروپایی و افراد بالای ۵۰ سال به ویژه قابل توجه بوده است.

۴. زمینه مراقبت های کودک

۴.۱. عرضه و تقاضا

چگونه مسئولیت مراقبت از کودکان در طول تاریخ بین خانواده و ارائه دهندگان دیگر به اشتراک گذاشته می شود؟

در سوئیس، برای مدت زمان بسیار طولانی، خانواده و زندگی خانوادگی، و به خصوص آموزش کودکان، به عنوان بخشی از زندگی خصوصی محسوب می شد که دخالت دولت در آن مورد استقبال نبود. سه حرف "K" "Kinder, Küche und Kirche" (کودک، آشپزخانه و کلیسا) به عنوان سیاست های خانواده بر اساس یک مدل مرد نان آور است که در آن مردان کار می کنند و زنان به منظور بزرگ کردن کودکان در خانه باقی می مانند و در هسته اصلی اولویت برای آموزش کودکان در درون دایره خانواده هستند. این الگو هنوز در بخش آلمانی زبان سوئیس قوی است اما در مورد بخش فرانسوی زبان بسیار کمتر است که در آن زنان میزان بالایی از فعالیت های کاری را دارند.

عوامل مختلفی برای راه اندازی یک بحث قابل توجه در مورد مراقبت از کودکان در سال های گذشته دخیل بوده اند: اولین مورد یک چارچوب کلی در مورد برابری جنسیتی به همراه برنامه های خاص برای تشویق فعالیت های حرفه ای زن و برابری بهتر در مورد مشارکت در بازار کار است. نرخ کار زن در سوئیس از اهمیت زیادی در کشورهای اروپایی برخوردار است اما ما نیز باید توجه داشته باشیم که زنان به شدت در مشاغل پاره وقت مشغول هستند (یکی از مهم ترین نرخ ها در اروپا). بنابراین، موضوع امکانات مراقبت از کودکان به منظور بهبود فعالیت کار زنان مطرح شده است. علاوه بر این، حدود بیست سال است که سوئیس دارای یک نرخ پایین باروری (بین ۱.۳ و ۱.۵ کودک برای هر زن) می باشد. موضوع زنانی که هیچ فرزندی ندارند و به نظر می رسد زندگی حرفه ای را به جای زندگی خانوادگی انتخاب کرده اند نیز در بحث تعداد ضعیف امکانات مراقبت از کودکان ذکر شده است.

به طور خلاصه، استدلال های نرخ تولد و نیز بحث های مربوط به برابری جنسیتی به تجدید بحث در مورد مراقبت از کودکان کمک کرده اند. با این حال، ابهام نگرش ها در مورد آموزش کودکان هنوز هم در سوئیس و به طور ویژه در مورد بخش آلمانی زبان سوئیس وجود دارد. بررسی در مورد اینکه آیا فعالیت کاری زن باعث می شود که کودکان اذیت شوند نشان می دهد که ۴۶ درصد از مردان و ۳۳ درصد از زنان به این سوال پاسخ مثبت داده اند. همچنین، زمانی که ما از هر دو جنسیت این سوال را پرسیدیم که آیا فعالیت های حرفه ای باعث خود-وابستگی می شود، ۶۰ درصد از مردان و تقریباً ۶۵ درصد از زنان پاسخ مثبت دادند. بنابراین ما نه تنها حضور همزمان نگرش های متناقض را شاهد هستیم بلکه "الگوی سه حرف K" به طور قابل توجهی در سه دهه گذشته تغییر کرده است.

نسبت انواع مختلف ارائه دهندگان خدمات چیست؟ (رسمی و غیر رسمی، دولتی و خصوصی، برای سود و بدون سود)

برای شروع، ما ممکن است نگاهی به ارائه دهندگان مختلف خدمات مراقبت از کودکان داشته باشیم. ساختارهای رسمی وجود دارد:

- کودکان و مهد کودک ها که، بیشتر اوقات، نهادهای خصوصی یا نیمه خصوصی هستند که توسط کانتون ها، شهرستانها یارانه کمکی دریافت می کنند و همچنین به میزان کمتری توسط کنفدراسیون ها هم یارانه می گیرند.

- "école infantine" (مهد کودک) کودکان بین چهار تا شش سال را می پذیرد، درست قبل از شروع آموزش اجباری در سن شش سالگی. این مهد کودک اجباری نیست اما در حال حاضر اصلاحاتی وجود دارد که آن را در سال آینده اجباری کند (cf. Harnos, Intercantonal Agreement about Harmonisation of Compulsory Education) است. این نوع از خدمات جزو خدمات عمومی و رایگان است.

- ساختار های مراقبت از کودکان توسط شرکت ها و یا سازمان های بزرگ برای ارائه خدمات به کارمندان خود ایجاد شده است. گاهی اوقات بین دولت های محلی و شرکت ها برای فعال کردن این خدمات خصوصی مراقبت از کودکان برای استقبال از کودکان محلی که پدر و مادر آنها در سازمان ها استخدام نیستند نیز وجود دارد.

علاوه بر ارائه دهندگان خدمات رسمی، ارائه دهندگان نیمه رسمی مراقبت از کودکان را نیز محاسبه کردیم: "les mamans de jour" (دستیاران مهد کودک) کودکان را به صورت روزمره قبول می کنند که ممکن است به عنوان یک نهاد نیمه رسمی در نظر گرفته زیرا توسط نهادها و انجمن ها در سطح شهری مدیریت می شوند. در کانتون ژنو، دستیاران مهد کودک آموزش رسمی دریافت می کنند.

در نهایت، ارائه دهندگان غیررسمی مراقبت از کودکان مانند خانواده نزدیکان، پرستاران کودک و پرستار خانه وجود دارد. در سوئیس، پدر بزرگ و مادر بزرگ یک سنت طولانی در مراقبت از کودکان دارند.

در موضوع مراقبت از کودکان مانند دیگر موضوعات زندگی اجتماعی، ما مجدداً اصل *subsidiarity* را یافتیم به این معنی که جامعه مدنی است تا حد زیادی تشویق به ایجاد طرح های ابتکاری برای رفع نیازهای جمعیتی می شود. سپس، انجمن ها و نهادها

ممکن است بودجه عمومی برای حمایت از فعالیت ها و پروژه های خود دریافت کنند. در نتیجه بسیاری از ارائه دهندگان مراقبت از کودکان خصوصی یا نیمه خصوصی می باشند. فقط "école enfantine" یک نهاد عمومی رایگان برای همه کودکان است.

کارشناسان تاکید می کنند که ارائه یک نمای کامل از نسبت ارائه دهندگان خدمات مراقبت از کودکان در سوئیس به دو دلیل چالش برانگیز است: اول از همه، هیچ تعریف یکنواختی از نهاد های ارائه دهنده خدمات مراقبت از کودکان وجود ندارد و ثانيا این تعریف تا حد زیادی با توجه به استان ها متفاوت است. همچنین، فدرالیسم قوانین حقوقی و سیستم های بسیار متفاوتی در موضوع مراقبت از کودکان ایجاد می کند. با این حال، داده های علمی و رسمی بر برخی از نتایج با توجه به نسبت ارائه دهندگان خدمات مراقبت از کودکان تاکید می کنند:

- کودکان یا پیش دبستانی برای کودکان بین ۴ و ۶ ساله در سوئیس به صورت متنوع توسعه یافته است. کانتون های خاص یک سال ارائه می دهند و برخی دیگر دو سال ارائه می دهند. حدود ۸۶ درصد از کودکان حداقل یک سال به " école enfantine " می روند. به این معنی که مهد کودک ها نیاز به مراقبت از کودکان قبل از سن ۴ سال را پوشش نمی دهند و همچنین این موضوع برای هر کانتون متفاوت است. یک کودک ممکن است تنها از سن پنج سالگی به école enfantine برود. با این حال، سیستم ها از طریق Harnos همگرا می شوند (توافق بین المللی در مورد هماهنگ سازی آموزش اجباری).

- مطالعات بر تعداد کم ساختارهای رسمی مانند کودکان، مهد کودک ها و سایر مراکز مراقبت از کودکان زیر چهار سال، تاکید می کنند با دانستن اینکه آموزش و پرورش اجباری در شش سالگی شروع می شود. در سوئیس به طور کل، ۲.۸ مهد و کودکان برای هر ۱۰۰۰ کودک در سال ۲۰۰۸ وجود دارد. با این حال این تعداد نسبت به سال ۱۹۸۵ دو برابر مهم تر است. تفاوت های زیادی بین کانتون ها وجود دارد. کانتون ژنو و زوریخ مهم ترین پوشش مراقبت از کودکان را با ۷.۲ و ۵.۶ نهاد برای هر ۱۰۰۰ کودک را دارند. و در مقابل، کانتون های واقع در بخش مرکزی سوئیس دارای پوشش بسیار کم با میانگین ۱ نهاد برای ۱۰۰۰ کودک هستند.

- این پوشش کم در تضاد با تعداد بالا از خانواده هایی است که حداقل یک روز در هفته از مراقبت اضافه خانوادگی استفاده می کند. گزارش OFS (اداره فدرال آمار) در مورد خانواده نشان داد که در سال ۲۰۰۸، ۵۰ درصد از زوج ها با یک کودک زیر ۴ سال و ۷۱.۴ درصد از خانواده های تک والد از خدمات اضافی مراقبت از خانواده برای کودکان خود استفاده کرده اند. خانواده نزدیک و به خصوص پدربزرگ و مادربزرگ ها، نقش مهمی در پوشش مراقبت از کودکان برای خانواده هایی که تنها نیاز به یک روز مراقبت در هفته دارند بازی کنند. ۵۹ درصد از خانواده هایی که نیازمند یک روز مراقبت از کودکان در هفته هستند بیشتر از خانواده نزدیک و به خصوص پدربزرگ و مادربزرگ درخواست کمک می کنند. هنگامی که نیاز به مراقبت از کودکان بیش از یک روز باشد، نقش نهادهای رسمی مراقبت از کودکان افزایش می یابد اما پدربزرگ و مادربزرگ ها و به میزان کمتر پرستاران کودک به ویژه در بخش آلمانی زبان سوئیس هنوز هم بسیار مهم هستند. به طور خلاصه، با افزایش تعداد روزهای مورد نیاز برای مراقبت تعداد مراکز رسمی مراقبت از کودکان افزایش می یابد و نیز، برای کودکان زیر چهار سال، خانواده نزدیک در درجه اول به عنوان یک منبع مراقبت از کودکان استفاده می شود.

خواسته های محلی برای خدمات مراقبت از کودکان چه هستند (تنوع خدمات؛ تمام وقت / پاره وقت؛ فردی / جمعی روزانه / گاه به گاه؛ در خانه/ بیرون از خانه؛ رسمی / غیررسمی) و آیا تغییرات قابل توجهی در تقاضا در طول ده سال گذشته وجود داشته است؟ آیا کمبود وجود دارد؟

نقش مهم خانواده نزدیک به معنی تقاضای کم برای خدمات رسمی مراقبت از کودکان نیست. در مقابل، بسیاری از والدین دوست دارند از نهادهای رسمی استفاده کنند اما قیمت و لیست های طولانی انتظارات باعث می شود که بسیاری از والدین نتوانند از خدمات مراقبت رسمی کودک استفاده کنند(دفتر آمار ملی، گزارش در مورد خانواده ۲۰۰۸).

در سال ۲۰۰۵، یک تیم تحقیقاتی ایجاد شده توسط کنفدراسیون سوئیس نیازهای مراقبت از کودکان پیش دبستانی را مورد بررسی قرار داد و نشان داد که نیمی از خانواده ها با کودکان زیر چهار سال حداقل برای دو روز در هفته از نهادهای رسمی (یا "کودکستان" یا "مهدکودک") استفاده می کنند. در نتیجه نیاز به نهادهای رسمی که مراقبت پاره وقت خارج از خانه ارائه می دهند وجود دارد. همچنین خانواده ها خواستار یک پوشش جمعی به جای یک فرد هستند. بسیاری از خانواده ها گمان می کنند مهد ها و کودکستان ها خدمات ایده آلی در مراقبت از کودکان ارائه می دهند.

محققان نشان دادند که نیمی از این نیاز توسط عرضه فعلی تحت پوشش نیست، با ۵۰۰۰۰ کمبود. ابتکار فدرال در سال ۲۰۰۱ راه اندازی شد برای افزایش تعداد مکان که به معنای افزایش عرضه است اما به نظر میرسد که این مورد در مکان هایی مهم تر شده است که در آن عرضه قبلا هم از مهم ترین ها موارد بود مانند کانتون های شهری (+۱۴٪ در کانتون ژنو، +۱۵٪ در ایالت وو کانتون، +۲۴.۸٪ در زوریخ).

محدوده های سنی برای مراقبت از کودکان چیست و (چگونه) آنها به سازمان عرضه خدمات مراقبت از کودکان مربوط است؟

کودکستان و مهد کودک ها کودکان را از سن شش ماه تا آغاز "école enfantine" پذیرش می کنند. در این بخش نیز کودکان چهار تا شش سال و قبل از آموزش اجباری پذیرش می شوند.

چه کسی واجد شرایط دریافت پشتیبانی مراقبت از کودکان است و این حمایت چگونه سازمان دهی می شود؟ (یارانه به پدر و مادر، کارفرمایان و یا ارائه دهندگان، کاهش مالیات، کوپن). لطفا این ترتیبات را برای مرخصی والدین و کمک هزینه فرزند نیز لحاظ کنید.

عدم عرضه و خصوصی یا نیمه خصوصی بودن نهادهای رسمی مانند "مهد ها و کودکستان ها" به معنای انتخاب کودکان تا حد معینی است. کودکان ساکن در شهر / شهرستان در اولویت هستند. همچنین، کودکانی که هر دو والدین آنها شاغل هستند و همچنین فرزندانانی که از خانواده های تک سرپرست می باشند نیز در اولویت هستند.

پشتیبانی برای مراقبت از کودکان در درجه اول به نهادها و نه به خانواده ها تعلق می گیرد. با این حال، خانواده های تک سرپرست با استفاده از خدمات مراقبت از کودکان می توانند از کاهش مالیات بر درآمد در ایالت ژنو بهره مند شوند. اگر کودک زیر ۱۲ سال باشد و پدر و مادر شاغل هستند، کاهش مالیات بر درآمد ۳۱۰۰ یورو در هر سال و برای هر کودک است.



پشتیبانی از نهادها به جای خانواده ها در حال حاضر مورد بحث است. در سال ۲۰۰۸، در شهرستان لوسرن تصمیم به ارائه کوپن به پدر و مادرهایی که از خدمات مراقبت از کودکان استفاده می کنند گرفته شد. مقدار آن بستگی به درآمد پدر و مادر و تعداد ساعات کاری دارد. ابتکار لوسرن در سال ۲۰۰۹ راه اندازی شد و در سال ۲۰۱۱ به عنوان یک عملکرد خوب برای دیگر شهرستانها مورد ارزیابی قرار گرفت. بنابراین پرداخت یارانه برای تقاضا به جای پیشنهاد مورد بحث است. با این حال لازم به ذکر است که کوپن مراقبت از کودکان در لوسرن فقط برای پدر و مادرهایی با یک شغل ارائه می شود. مردم بیکار از این سیستم حذف شده اند

#### ۴.۲. ساختار اداری

توزیع مسئولیت ها بین دولت های ملی / منطقه ای / محلی / اتحادیه اروپا در مدیریت مراقبت از کودکان چیست؟ (بودجه، مقررات، مجوز)

شهرستانها نقش کلیدی در تامین مالی خدمات مراقبت از کودکان دارند. آنها قابل توجه ترین حمایت را در رابطه با مدیریت/اجرای نهادها ارائه می دهند. بیشتر اوقات، هزینه ها بین والدین و شهرستانها به اشتراک گذاشته می شود. در برخی از شهرستانهای خاص، قیمت ها به درآمد پدر و مادر بستگی دارد. بنابراین، شهرستانها مسئول تکمیل تفاوت هزینه های اجرا و پول آورده شده توسط پدر و مادر هستند. در دیگر شهرستانها، پولی که دولت شهرستانها وارد می کند کمتر اهمیت دارد و قیمت توسط پدر و مادر پرداخت می شود و در نتیجه اهمیت بیشتری دارد.

سطح استانی نیز با توجه به تامین مالی مهم است: قوانین استانی به اشتراک گذاری هزینه ها بین شهرستانها / شهرها، استان و پدر و مادر را تعریف می کنند. کانتون های فرانسوی زبان مانند واود، ژنو، والایز، نوشاتل قوانین تشویق ایجاد مکان های جدید در شهرستانها / شهرها اجرا کرده اند: کانتون ها همچنین به نهادها از طریق دستمزد کارکنان کمک می کنند. کانتون ها همچنین ارائه دهندگان مراقبت از کودکان را هماهنگ می کنند. با این حال، پشتیبانی کانتونی با توجه به کانتون ها متفاوت است.

در نهایت، برنامه فدرال در مورد مراقبت از کودکان که در سال ۲۰۰۳ آغاز شد هدف حمایت از ایجاد ارائه دهندگان رسمی جدید مراقبت از کودکان را دنبال می کند. بین سال های ۲۰۰۳ و ۲۰۱۱، ۲۵۸ میلیون یورو در مراکز مراقبت از کودکان به منظور بهبود تعدادی از مکان های موجود یا در مراکز جدید سرمایه گذاری شد. برای نهاد های جدید، یارانه پس از یک سال از فعالیت می رسد و شامل نهادهایی می شود که حداقل ۲۵ ساعت در هفته از کودکان نگهداری می کنند. ۹۵۰ درخواست بین سال های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۸ تایید شد و ۳۳۰ مورد از آنها در بخش فرانسوی زبان سوئیس بود که در آن حمایت دولت فدرال نشان دهنده ۴۷ درصد از مکان های جدید برای مراکز مراقبت از کودکان پیش دبستانی بود.

به طور خلاصه در مورد تامین مالی، ما باید نقش کلیدی *subsidiarity* را دوباره متذکر شویم. شهرستان مهم ترین مقیاس است. کانتون ها و کنفدراسیون تنها از نهادهایی حمایت می کنند که قبلا پشتیبانی جمعی دریافت می نمودند.

با توجه به مقررات و مجوز، قانون فدرال عنوان می کند که مراکزی که کودکان زیر دوازده سال را پذیرش می کنند باید مجوز رسمی از شهرستان داشته باشند. افرادی که به ازای دریافت دستمزد، از کودکان در خانه خود مراقبت می کنند باید به طور رسمی فعالیت خود را ثبت کنند. نهادها و افرادی که قادر به نگهداری از کودکان در شرایط خوبی نیستند، مجاز به توسعه فعالیت های

خود نمی باشند (به عنوان مثال پذیرش کودکان بیشتر). همانطور که می بینیم شهرستانها / شهرها مسئول دادن مجوز هستند. همچنین، کیفیت نهاد و مرکز توسط قانون کانتونی (بر اساس قانون فدرال) و نهادهای کنترل خدمات کانتونی هر دو سال تعریف می شود.

ما از سال ۲۰۰۶ شاهد آخرین و نه کمترین توافقات بین کانتونی با هدف ایجاد آموزش و پرورش اجباری همگن تر در کانتون های سوئیس بوده ایم. این توافق بر ارائه دهندگان خدمات مراقبت از کودکان پیش دبستانی موثر است. در واقع، یک نکته کلیدی این توافق آغاز آموزش و پرورش اجباری در چهار سالگی به جای شش سالگی است.

مهد کودک اجباری خواهد شد در حالی که این مورد در حال حاضر مطرح نیست. به غیر از حزب UDC (جناح راست) که "ملی کردن آموزش و پرورش کودکان" را تقبیح می کند، تمام نیروهای سیاسی از این توافق حمایت می کنند. این توافق بین کانتونی توسط ده کانتون به تصویب رسید. با این حال، تنها کانتون هایی که مایل به شرکت در این توافق بودند اقدامات لازم را اجرا می کنند. مشارکت یک اجبار یا ضرورت نیست. کانتون های شرکت کننده در توافق مجبور به اجرای قوانین جدید در مورد آموزش و پرورش اجباری در چهار سالگی از سال ۲۰۱۵/۲۰۱۶ هستند.

نقش/مسئولیت های خصوصی برای سازمان های انتفاعی/غیر انتفاعی و پدر و مادر چیست؟ (تولید مشارکتی / مدیریت مشارکتی حکومت مشارکتی خدمات رفاه کودکان؟)

سوئیس با یک سنت قابل توجه در مورد تفیض دولت محلی به اجتماع شهری مشخص می شود. بسیاری از مهد ها و کودکستان ها و مراکز مراقبت از کودک از سوی بنیادها و انجمن های غیر انتفاعی اداره می شود. آنها بودجه های عمومی برای توسعه فعالیت های خود دریافت می کنند وقتی که نشان دهند ضوابط و معیارهای عمومی مدیریت این نهادها، استانداردهای ایمنی و... را رعایت می کنند و کیفیت امکانات آنها مناسب است. در بخش فرانسوی زبان سوئیس، اکثریت بزرگی از مهدها و کودکستان ها و مراکز مراقبت از کودکان توسط شهرستانها یارانه می گیرند. بودجه های عمومی ممکن است برای توسعه مراکز موجود با ساخت مکان های جدید برای آنها و یا ایجاد نهادهای جدید باشد. بنابراین ما شاهد یک تولید پوشش مشارکتی خدمات مراقبت از کودکان هستیم. علاوه بر این، نهادها و انجمن ها نیز به تنظیمات و مدیریت مشارکتی ارائه دهندگان خدمات مراقبت از کودکان کمک می کند. به عنوان مثال، Foundation Pro Juventute به مدیریت افرادی که خدمات مراقبت از کودک ارائه می دهند می پردازد مانند "دستیاران مهد کودک" که در بسیاری از شهرستانهای کانتون ژنو وجود دارد: این نهاد تماس های پدر و مادرهایی که در جستجوی خدمات مراقبت از کودکان هستند را دریافت می کند و با توجه به تعداد مراکز و افراد در دسترس مکان هایی را پیشنهاد می کند. این نرم افزار همچنین مسئول آموزش والدینی است که از کودکان نگهداری می کنند. هزینه این آموزش به طور کامل توسط کانتون ها و شهرستانها / شهرها تامین می شود.

آنچه ما چندین سال شاهد بودیم توسعه مشارکت بین شرکت ها و دولت های محلی است.

- برخی از مهدها و کودکستان ها که توسط شرکت ها ایجاد شده اند کودکان کارکنان آن شرکت و همچنین کسانی که در آن شهرستان زندگی می کنند را می پذیرد. تامین مالی این نهادها به صورت مشترک با شرکت ها و شهرستان ها انجام می گیرد (مثال. شهرستان ژنو و مرک، شهر ژنو و کردیت سوئیس، شهرستان ورنیر و SIG).

- برخی از خدمات مراقبت از کودکان یارانه ای به شرکت ها مکان هایی را برای کارمندان آنها می دهد (مثال، پراکتر و گمبل، کردیت سوئیس، لا پست، سازمان بین المللی کار).

روند تمرکززدایی در این زمینه چیست؟

روند اول یک همکاری رو به رشد بین شرکت ها، نهادها و دولت های محلی برای گسترش خدمات مراقبت از کودکان است که برای بسیاری از مشارکت ها در حال توسعه است. این همکاری در سطح شهرستان صورت می گیرد.

ما همچنین شاهد این بودیم که شهرستانها بیشتر و بیشتر مسئول خدمات مراقبت از کودکان هستند. در بخش آلمانی زبان سوئیس مانند ژنو، شهرستانها تمایل به همزیستی کردن پیشنهاد، مدیریت و تامین مالی خدمات مراقبت از کودکان دارند. در سال ۲۰۱۰، میرین و ورنیر، واقع در ایالت ژنو، تصمیم به پیاده سازی یک ساختار اشتراکی برای (۱) هماهنگی تقاضا و پیشنهاد (۲) سازماندهی آموزش متخصصین (۳) پیشنهاد هزینه های مشابه گرفت.

۴.۳. دسترسی به خدمات مراقبت از کودکان

تا چه حد گروه های آسیب پذیر جامعه (مادران مجرد، بیکار و پدر و مادرهای مهاجر) برای انتخاب خدمات خاص مراقبت از کودکان آزاد هستند؟ (توان مالی)

بررسی توانایی پرداخت هزینه خدمات مراقبت از کودکان نیاز به یک نگاه اولیه به قیمت ها دارد. در بیشتر کانتون ها، سهم پدر و مادر بستگی به درآمد دارد. یک حداقل و حداکثر قیمت وجود دارد. در کانتون برن و ژنو، پایین ترین قیمت برای یک هفته تمام وقت با وعده های غذایی ۴۴ یورو در هر هفته و ۱۷۷ یورو در هر ماه برای یک کودک است.

برخی پدر و مادرها توانایی پرداخت هزینه خدمات مراقبت از کودکان را ندارند حتی اگر قیمت ها در پایین ترین حد باشد. برای مثال، تحقیقات نشان می دهد که فرزندان مهاجران کمتر در موسسات مراقبت از کودکان هستند. به نظر می رسد که قیمت ها مانع استفاده والدین مهاجر کشورهای غیر اروپایی از این مراکز می شود. علاوه بر این، افراد بیکار در اولویت دریافت یارانه مربوط به خدمات مراقبت از کودکان نیستند. کسانی که در اولویت انتخاب هستند پدر و مادر های دارای شغل هستند. به نظر می رسد خانواده های تک سرپرست که در آن پدر یا مادر شاغل هستند در اولویت بعدی قرار دارند (کواکس ۲۰۰۸) و در ایالت ژنو، بسیاری از مادران مجرد شاغل و دارای فرزند کودکان به دنبال یک مهد کودک و یا یک مرکز مراقبت از کودکان هستند. آنها همچنین شامل کاهش مالیات بر درآمد در صورت انتخاب خدمات مراقبت از کودکان هستند.

با توجه به نرخ پایین ارائه دهندگان رسمی خدمات مراقبت از کودکان (با وجود بهبود در سال گذشته) پدر و مادر هایی که این خدمات را ارائه می دهند به طور گسترده تری در اولویت هستند. به عنوان مثال، در ایالت ژنو، معیارهای اصلی برای دسترسی به یارانه خدمات مراقبت از کودکان عبارتند از:

- زندگی در منطقه ای که مرکز در آن قرار گرفته است.

- زندگی در شهرستان.

- داشتن شغل و ترجیحا شاغل در آن شهرستان.

آیا تفاوت های ارضی شدیدی در دسترسی به خدمات مراقبت از کودکان وجود دارد؟ آیا فقدان خدمات مراقبت از کودکان در مناطق محروم و / یا روستایی وجود دارد؟ (در دسترس بودن، قابلیت دسترسی)

تفاوت ارضی قوی در دسترسی به خدمات مراقبت از کودکان وجود دارد. اول از همه، ما شاهد پوشش مهم در کانتون هایی مانند وو، زوریخ، بازل، ژنو و به میزان کمتر نوشاتل بودیم. کانتون های شهری کمتری واقع در بخش مرکزی سوئیس (نئووالد، اوبولد، یوری) دارای پوشش بسیار کم خدمات مراقبت از کودکان هستند و به سختی یک مرکز برای ۱۰۰۰ کودک وجود دارد و همچنین کانتون های واقع در شرق سوئیس هم همینطور هستند.

آیا تفاوت های قابل توجهی از نظر کیفیت بین ارائه دهندگان مختلف خدمات وجود دارد؟ (فرصت های برابر برای همه کودکان؟)

اول از همه، کانتون سوئیس تعداد مشابهی از سال های آموزش را در "école infantine" (مهد کودک) ارائه نمی دهد.

در سوئیس، ۸۶٪ کودکان حداقل یک سال به مهد کودک می روند، اما کانتون ها فرصت های متنوعی به کودکان پیشنهاد می دهند. تعداد سال ها متفاوت است: به عنوان مثال، در کانتون فریبورگ، اکثریت بزرگی از کودکان یک سال و تنها ۱۹ درصد از کودکان دو سال به مهد می روند. این نتیجه در تضاد با مناطق دیگر مانند کانتون وله یا ژورا است که در آن استفاده دو ساله در اکثریت است. این احتمالا مربوط به این واقعیت است که برخی از والدین نمی خواهید فرزندان خود را قبل از سن شش سالگی را به مدرسه بفرستند. اما عدم حضور به پیشنهاد عمومی نیز بستگی دارد: برای یک مدت طولانی، کانتون فریبورگ تنها دوره یک سال را پیشنهاد می داد در حالی که تسین، با La scuola di Infanzia، برای سال های زیادی تا سه سال را ارائه می کردند. بنابراین پیوستن به "école infantine" فرصت های متنوعی برای کودکان فراهم می کند: برخی از آنها آموزش اجباری را در حالی شروع می کنند که قبلا اجتماعی شده اند و با دیگران تعامل داشته اند و آنها به خوبی برای مدرسه آماده هستند در حالی که این مورد برای کودکان کمتری رخ می دهد.

با توجه به کیفیت خدمات، تفاوت عمدتا بین انواع ارائه دهندگان است. به طور کلی، مهدها و کودکستان ها باعث اجتماعی شدن کودکان با دیگر کودکان می شوند و فعالیت های اولیه یادگیری را توسط متخصصانی که آموزش های خاص دریافت کرده اند ارائه می دهند. در برن کانتون ژنو، ما در ابتدا هنجارهای ایمنی شدید را یافتیم، یک فضای آرام و بسته برای نوزادان، فضایی برای کودکانی که می خواهند گاهی تنها باشند: معیارهای کیفیت در بسیاری از کانتون ها مشابه هستند. دستیاران کودکستان که مورد

توافق نهاد عمومی قرار می گیرند و توسط آنها مدیریت می شوند می توانند از کودک در خانه نگهداری کنند اما کودکان باید دو بار در هفته با پرستار خود به مهد کودک محلی بروند. و بنابراین کودکان می توانند از فعالیت های اولیه یادگیری بهره مند شوند. پرستاران خانگی نمی توانند همان تحرکات و محیط جمعی را ارائه دهند. تقاضای محلی نشان می دهد که پدر و مادرها به طور عمده به دنبال امکانات اجتماعی و آموزشی برای کودکان خود هستند.

#### ۴.۴. پیشرفت های اخیر

مسائل کلیدی در حال حاضر در این زمینه مورد بحث، در سطح ملی چیست؟ (به عنوان مثال در رابطه با سیاست خانواده، خدمات مراقبت از کودکان در رابطه با کاهش جمعیت، سرمایه گذاری اجتماعی بر روی کودکان)

موضوع برابری جنسیتی در بحث های کنونی در مورد خدمات مراقبت از کودکان بسیار قابل توجه است. در سوئیس، ۷۹٪ از مشاغل پاره وقت در دست زنان است. ما با یک مشارکت بسیار جنسیتی در بازار کار روبرو هستیم. مشارکت گسترده در مشاغل پاره وقت بدان معنی است که دسترسی به مسئولیت های بالا در شرکت ها، ادارات و سازمان های بزرگ یک چالش برای زنان است: مشاغل مهم و رده بالا در واقع نیازمند یک مشارکت کامل از دیدگاه کارفرمایان است. بسیاری از شرکت کنندگان عنوان می کنند که توسعه خدمات مراقبت از کودک یک شرط ضروری برای توسعه برابری جنسیتی در بازار کار است. در سوئیس، ادارات دولتی بسیار طرفداری فعالانه ای در مورد چگونگی ترکیب بازار کار و زندگی خانوادگی دارند. این بحث به بسیج منابع مالی می پردازد، بسیاری شرکت می کنند و موضوع پوشش/خدمات مراقبت از کودکان یک موضوع کلیدی است.

دومین ویژگی بحث نرخ پایین باروری زنان، برای بیست سال، بین ۱.۳ و ۱.۵ فرزند به ازای هر زن است. در عرصه عمومی، سوالات در مورد زنانی که به منظور پیشرفت حرفه ای خود فرزندی ندارند در حال افزایش است. در واقع، خط سیر معمولی برای اشتغال زنان که ما متوجه آن شدیم این است که زنان واجد شرایط بسیار تا ۳۰ سالگی به مطالعه و کار می پردازند. سپس، آنها بچه دار می شوند و برای چندین سال از بازار کار خارج می شوند. به دلیل اولویت داشتن شغل برای برخی از زنان آنها بچه دار نمی شوند. بحث در مورد خدمات مراقبت از کودکان، در مورد چگونگی افزایش نرخ تولد نیز هست.

اثرات درک شده از بحران مالی اخیر در زمینه مراقبت از کودکان چیست؟ (به عنوان مثال کاهش بودجه، تنوع در مقابل استانداردسازی ارائه دهندگان خدمات)

بحران مالی باعث شده است که بسیاری از شرکت کنندگان بر مخارج مراقبت از کودکان تاکید کنند. در کانتون ژنو، ما شاهد یک بحث بین کسانی بودیم که دستمزد متخصصین را بیش از حد بالا و مانع ایجاد ساختارهای جدید می دانستند. حزب دموکرات-مسیحی دستور تجدید نظر هنجارهای پایین در موضوع مدیریت و کاهش تعداد کارکنان را مطرح کرد. دیگر شرکت کنندگان اشاره کردند که مدیریت یک نیاز ضروری در کیفیت است.

ابتکار کوپن های مراقبت از کودکان در لوسرن نیز یک بحث مهم را راه اندازی کرد. این کوپن ها بیشتر در حمایت از تقاضا و نه پیشنهاد ایجاد شدند: کوپن این مفهوم را میسراند که تقاضا به یک روش بارزتر پیشنهاد را شکل می دهد. آنها همچنین به معنی یک توافق بیشتر بین خدمات مراقبت از کودکان هستند به طوری که پدر و مادرها قادر خواهند بود خدماتی را که می خواهند

انتخاب کنند. برخی شرکت کنندگان طرح کوپن را با این استدلال رد می کنند که آنها ممکن است باعث ایجاد یک سیستم twotier با ساختارهایی شوند که کودکان ثروتمند را پذیرش می کند و کمتر قادر به توسعه خدمات است در حالی که نهادهای دیگر کمتر کارآمد می شود و برای پدر و مادرهای کم درآمد است.

آیا نوآوری/جنبش های محلی قابل توجه جدیدی با تقاضای ملی وجود دارد؟ (به عنوان مثال "خدمات نسل جدید" - طرح های والدین، کودکان چند فرهنگی، و غیره)

در بخش فرانسوی زبان سوئیس، ابعاد چند فرهنگی در مراکز مراقبت از کودکان توسعه یافته است. به عنوان مثال، در شهرستان لوزان، دفتر ادغام مهاجران و دفتر محلی برای خدمات مراقبت از کودکان با هم دروس فرانسوی را برای والدین و کودکان آنها به منظور بهبود ادغام آنها از طریق فعالیت های تفریحی توسعه داده اند.

انتشار یافته در مجموعه رسانه های تخصصی مددکاری اجتماعی ایرانیان

[www.iraniansocialworkers.ir](http://www.iraniansocialworkers.ir)